نگاهی به کتاب «پیر پرنیان‌اندیش»

«سایه» آفتابی شد

عکس: رضا معطریان

محمدرضا محمدی‌آملی

شعر نو به علت وجود توللی و من (سایه) و نادرپور و بعد اخوان و حتی دکتر اسلامی ندوشن به کرسی نشست «پیر پرنیان اندیش» ج ۲ ص ۹۵۵

سایه آفتابی شد و گفته‌ها و ناگفته‌های او به بیان آمد تا امروز با بخش دیگری از تاریخ زندگی شاعری که سال‌ها در سایه زیسته آشنا شویم. بی‌تردید بخشی از صفحات تاریخ شعر امروزایران به زندگی و شعر هوشنگ ابتهاج (هـ. الف سایه) اختصاص دارد. در این مختصر تنها دیدگاه سایه را درباره شعر و شاعران امروز براساس گفته‌های ایشان در کتاب پیرپرنیان‌اندیش بررسی خواهم کرد. امروز که در ۸۵سالگی سایه در زمستانی سرد و بارانی خاطرات او را در کتابی با نام پیرپرنیان‌اندیش می‌خوانیم با سلوک فردی و اجتماعی و دیدگاه شاعرانه او بیشتر آشنا می‌شویم. سایه در زندگی و شعر وامدار نظام فرهنگی‌ای است که در آن نظام فرهنگی سلطه بیان و زبان بر همگان مستولی بود و امکانِ دیگری را دیدن برای او و نسل او که زندگی‌شان با سیاست گره خورده است تقریبا امری محال بود. بر این اساس گفت‌وگوهای این کتاب بر پایه نوعی نگاه تسامحی و تساهلی شکل نمی‌گیرد. در واقع این کتاب بر پایه و مایه گفت‌وگو نیست بلکه نوعی تبیین وضعیت زندگی شاعری است که در تمام ادوار زندگی ادبی آگاهانه زیر سیطره و سلطه تفکر سنت‌های فرهنگی حاکم بوده است. از این‌رو اگر آیین گفت‌وگو در این کتاب به چشم نمی‌آید به دلیل حضور مقتدرانه صاحب گفت‌وگوست که همه چیز را از دریچه تنگ و محدود فرهنگ سنتی می‌بیند. بنابراین هرگاه که بخواهد لب به سخن می‌گشاید و هر گاه نخواهد با وجود قول‌وقرارهای قبلی حتی یک کلمه از خود و دیگران نمی‌گوید و این رفتار غیردموکراتیک در نهمین دهه زندگی همچنان با اوست. پس طبیعی است که به این باور برسد که خاتم‌الشعراست و تنها او نجات‌دهنده شعر نیمایی است و همه شاعران نیمایی و سپیدسرا باید او را به عنوان پدر شعر جدید بشناسند چون بنا به گفته سایه این گروه مربع مرگ «از شعر قدیم اطلاع دارن» و طبعا نسبت عمیق‌تری با گذشته فرهنگی دارند. سایه در حالی چنین ادعایی را بر زبان می‌آورد که نتوانسته تاکنون یک شعر نو بر مبنای اسلوب شعر نیمایی بسراید اما از آنجا که خود و نادرپور و مشیری و توللی و امثالهم را شاعران نیمایی می‌پندارد بر این ادعا هم پای می‌فشارد تا ما با نوعی سلطه فرهنگی دیگری در عصر جدید روبه‌رو باشیم. شعر و زندگی سایه بر پایه سنت فرهنگی و فرهنگ سنتی شکل گرفته است و او تا امروز خود را پایبند این اصول و قواعد می‌داند تا مبادا پا را از آن دایره فراتر گذارد و به مرحله تازه‌ای گام بردارد.

شعر سایه در همه ادوار تاریخ معاصر وامدار سلطه‌های آشکار نظام فرهنگی است که با نوعی استبداد فکری و زبانی همراه است. او هیچ‌گاه از نظام سلطه فرهنگی فاصله نگرفته و حتی نخواسته به تجربه تازه‌ای از زندگی دست یابد. این عدم فاصله‌گذاری با سنت‌های فرهنگی گذشته ناگزیر منجر به نوعی دوگانگی رفتار فرهنگی می‌شود. از یک سو او خود را جزو پیشگامان شعر امروز می‌داند که توانسته شعر نیما و تفکر نیمایی را تثبیت کند و از سوی دیگر شعر و زندگی او هیچ نسبتی با تفکر مدرن ندارد و در هیچ شعری به نیمایی و تفکر نیمایی شبیه نیست. او حتی در کتاب پیرپرنیان‌اندیش اشاره می‌کند که نام یک قطعه شعر فروغ را هم در حافظه ندارد پس چگونه می‌توان از او به عنوان کسی یاد کرد که شعر نیمایی را به کرسی نشاند. آیا زبان شعر فروغ همان نقطه ایده‌آل نظریه نیما نیست که می‌خواست زبان شعر را به زبان روزانه نزدیک و ساده کند پس چگونه سایه نتوانسته حتی یک شعر کوتاه از فروغ را به خاطر بسپارد. البته عمق فاجعه زمانی پیدا می‌شود که سایه از شعر مریم حیدرزاده به نیکی یاد می‌کند و می‌گوید: «زبان خیلی ساده (داره) و بعضی جاها هم خیلی هنرمندانه... قافیه‌هایی که اختراع می‌کنه فوق‌العاده است.» ج ۲ ص ۹۶۸. اما از دید سایه، «فروغ سواد و معلوماتی نداشت» ج ۲ ص ۹۷۹ و حتما به دلیل همین بی‌سوادی است که وقتی در شب شعر وین از شاعران معاصر شعرهایی می‌خواند از فروغ حتی یک شعر هم نمی‌خواند. حال به راستی سایه و دوستانش شعر نیمایی را به کرسی نشاندند؟ تصور می‌کنم نام مربع مرگ که براهنی برای سایه و دوستانش انتخاب کرد نامی شایسته بود که اینان نه تنها به رشد و توسعه شعر نیمایی یاری نرساندند بلکه شاعرانی چون سایه و مشیری و توللی و کسرایی و نادرپور و... مخمس‌ها و مسدس‌های مرگ شعر نیمایی بودند و شعر را از مسیر طبیعی نیمایی خارج کردند. به بیان دیگر انحرافی که در شعر نیمایی اتفاق افتاد به خاطر شاعرانی بود که درک درستی از مدرنیسم فرهنگی نداشته‌اند و فاصله آنها با نیما فاصله از ثری تا ثریا بوده است. دوگانگی رفتار فرهنگی سایه سبب می‌شود تا در شعرش هم رفتار تناقض‌آمیزی داشته باشد از یک سو وابسته به نظام کهن حافظی باشد و از سوی دیگر مدعی همسویی با جهان تامل‌برانگیز نیمایی. در حقیقت در یک سو هنر او به تقلید و تکرار می‌رسد و در سوی دیگر به ادعا و انتظار. به بیان دیگر هنر شاعرانه سایه چون با زمان و زمانه ما نسبت معرفتی ندارد آرام‌آرام فراموش می‌شود و هنر نیما به دلیل نزدیکی با زندگی انسان امروز هر روز پایدارتر و ماندگارتر می‌شود. چراکه تفکری که در زیرساخت شعر نیمایی وجود دارد تفکری مداراگرایانه است و تفکری که در زیرساخت شعر سایه حاکم است تفکری اقتدارگرایانه. به همین دلیل سایه به راحتی به نفی و اثبات می‌پردازد و هر آن کس را که با او هم‌رای نیست نفی مطلق می‌کند. پس باید به او حق بدهیم که بگوید:

«تجربه این چهل پنجاه سال نشان داده که شعر بی‌وزن به بن رسیده» ج ۲ ص ۹۱۸ و براساس همین نوع نگرش است که سایه به شعر و شخصیت شاعرانی چون هوشنگ ایرانی و یدالله رویایی و یاران موج‌نو به دیده تحقیر می‌نگرد.

این رفتار فرهنگی سایه به دو دلیل روی می‌دهد؛ در وهله اول او با جهان امروز نسبت مستقیمی ندارد حتی اگر به قول دوستانش او با موبایل و ماهواره و اینترنت همراه باشد. مقصود من نوع نگاه او به جهان و انسان است که کاملا نگاهی سنتی است و در وهله دوم باید بدانیم سایه شاعری سیاسی است که هنوز با وجود از بین رفتن این تفکر در جهان معاصر به قولی او بر سر ایمان خویش ایستاده است. شعر سایه با حقیقت انسان امروز ایرانی فاصله‌ها دارد. آنچه او به تصویر می‌کشد برگرفته از نوعی تجربه زیست شده شاعرانه نیست بلکه ناشی از تاثیر رفتارهای فرهنگ سنتی است که همواره با نوعی سلطه اندیشگی همراه است. به همین دلیل وقتی در زمان ما تکرار می‌شود آن لذت جاودانه را با خود ندارد. شعر حافظ با رفتارهای انسان روزگارش گره خورده است و سپس به همه ادوار تاریخی پرتاب شده است. شعر حافظ از زمان خود به فرداها رها می‌شود ولی شعر سایه از دیروز به امروز حواله می‌شود. بنابراین طبیعی است حافظ و شعرش جاودانه شود ولی هر روز بر سایگی شعر سایه افزوده شود. چراکه حقیقت هنر یک‌بار اتفاق می‌افتد و بار دیگر تکرار و تقلید است. اگر در شعرهای سایه بوی سنت می‌آید ناشی از همین رفتار فرهنگی اوست. سایه با چنین بنیان اندیشگی در پیرپرنیان‌اندیش انسان‌ها را به دو دسته خوب و بد تقسیم می‌کند. از نظر او براهنی بد است، رویایی بد است، سپانلو بد است، احمدرضا احمدی بد است و نادر نادرپور خوب است و همین‌طور توللی و مشیری و کسرایی و ... هرکس که با نظام سنت فرهنگی او شعر بسراید مقبول است و هرکس که پا را از مدار معلوم و مرسوم فراتر بگذارد مغضوب و منفور است. سایه به همین دلیل سالیان سال برای تسلط قدرت فرهنگ سنتی از هر امکانی و توانی بهره گرفت تا با نوعی شناخت و نگرش تازه روبه‌رو نشود. زیرا به زعم او این آشنایی سبب می‌شود پایه‌های نظام قدرت شاعری او به لرزه بیفتد. چراکه حقیقت شاعرانه برای او همانا نزدیک شدن به نظام فکری گذشته است. بنابراین طبعا هر نوع نوآوری با منافع قدرت ادبی او منافات دارد و او می‌کوشد تا روابط خود را براساس تفکر سنت‌های معمول و مرسوم شکل دهد. پس اگر نوآوران شعر امروز را به باد تمسخر و استهزا می‌گیرد در دایره نظام سنتی او امری طبیعی است چراکه در سنت فرهنگی، شعری که تولید می‌شود با کشف سر و کار ندارد با نوعی ساخت روبه‌روست که با استفاده از امکان سنتی فراهم آمده است. این ساخت دارای بنیان‌های اقتدارگرایانه است. همه چیز را برای خود می‌خواهد و خود را برتر و بهتر از دیگران می‌پندارد. در کتاب پیرپرنیان‌اندیش، سایه در رویارو شدن با شاعران خود را همواره بر مدار حق و حقیقت می‌بیند و دیگران را در سایه حقیقت. به همین دلیل به رویایی می‌تازد که او کیسه بُرانند را کیسه بَرانند خواند. انگار دیگران در این زمینه سخنشان فصل‌الخطاب است اگر چنین است چرا استاد دکترمحمد جعفر محجوب در مقاله‌ای مبسوط درباره حافظ سایه داد سخن سر می‌دهد. البته فرق استاد محجوب با جناب سایه در این است که استاد ده‌ها نکته اساسی اعم از اشتباه در دریافت شعر حافظ و... را مهربانانه و رندانه مطرح می‌کند بی‌آنکه کسی را به بی‌سوادی متهم کند یا به باد تمسخر بگیرد ولی سایه برای تخریب شخصیت یدالله رویایی خاطراتش را بازخوانی می‌کند:

بی حرمتی به ساحت خوبان قشنگ نیست
باور کنید پاسخ آیینه سنگ نیست

سایه در پیرپرنیان‌اندیش حتی برای کسانی که چند سال برای گفت‌وگو با او سختی‌ها را به جان خریدند ارزشی قایل نمی‌شود؛ به عبارتی در سراسر کتاب، او متکلم وحده است. در سایه‌سار نظام فکری سایه کسی را امکان چون و چرا نیست حتی اگر سال‌ها با تو دوست گرمابه و گلستان باشد ناگزیر او حرف نهایی را خواهد زد و این رفتار زمانی بیشتر نمایان می‌شود که او شیخوخیت خویش را بر دیگران تحمیل می‌کند تا نگاهی دگرگونه به او داشته باشند و طبعا اگر جز این باشد منافع قدرت ادبی و شاعرانه او متزلزل می‌شود. بنابراین در سراسر خاطرات او آدم‌ها سیاه و سفیدند. سایه انسان معاصر نیست. درک نکردن ضرورت زندگی انسان امروز سبب می‌شود تا او نتواند درک درستی از موقعیت شعر امروز ایران داشته باشد.

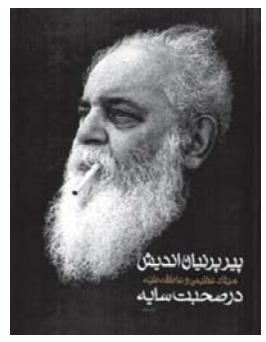

کتاب کودک

آموزش کارهای خوب به بچه‌های خوب

مجموعه کتاب‌های «مهرک و سبزک دوست‌داشتنی» نوشته رودابه کمالی و با تصویرگری هدی عظیمی، شامل پنج کتاب است که برای بچه‌های زیر سه‌سال توسط انتشارات چکه منتشر شده است. مهرک کودک خردسالی است که عروسکی به نام سبزک دارد. او با سبزک بازی می‌کند و همه کارهایش را با مشورت سبزک و در کنار او انجام می‌دهد. کتاب‌های «مهرک و سبزک دوست‌داشتنی» به پدرها و مادرها کمک می‌کند تا نکات ساده اما مهمی را به بچه‌ها آموزش دهند. این مجموعه، نوشته رودابه کمالی است و به کمک دو شخصیت مهرک و سبزک، کارهای خوب را به خردسالان یاد می‌دهد. تصویرگری این مجموعه را هدی عظیمی انجام داده است. «سبزک کجایی؟»، «بیا با هم آدم بِکشیم»، «مهرک حمام را دوست دارد»، «مهرک لباس می‌پوشد» و «می‌آیی اسباب‌بازی‌ها را جمع کنیم؟» عناوین این مجموعه هستند. در سبزک کجایی، مهرک عروسکش را گم کرده و به دنبال آن می‌گردد. او با خود فکر می‌کند «کند سبزک دارد با او قایم‌موشک‌بازی می‌کند. نکنه اینجا قایم شده؟ اما پشت پرده چیزی نبود...». در بیا با هم آدم بکشیم، مهرک نقاشی کردن را روی تخته‌ای که مادرش برایش خریده یاد می‌گیرد. مهرک در این داستان یاد می‌گیرد که اعضای آدمی که نقاشی کرده در کجای بدن نقاشی باید قرار گیرد. مهرک حمام را دوست دارد، داستان یک بازی است که مادر مهرک ترتیب می‌دهد تا در طول این بازی، مهرک با وسایل مختلف حمام آشنا شود و در نهایت به همراه عروسکش به حمام می‌رود. مهرک لباس می‌پوشد، داستانی است که در آن مهرک می‌آموزد که چگونه لباس‌هایش را خودش بپوشد.

در می‌آیی اسباب‌بازی‌ها را جمع کنیم؟ اتاق مهرک خیلی شلوغ و به‌هم ریخته است و وقتی مادرش اتاق او را می‌بیند، می‌گوید که تا وقت عصرانه خود مهرک باید اتاقش را مرتب کند.

شیرازه

نگاهی به نامه نگاری‌های بزرگان به بهانه انتشار کتاب «مادر عزیزم»

نامه‌های کشف شده

علیرضا امیرحاجبی

الف- قبل از اینکه ستون هفتگی شیرازه را در سال جدید آغاز کنم، مایل هستم پس از عرض شادباش به تمامی خوانندگان عزیز صفحه کتاب و ادبیات به یک نکته درباره مقاله‌ای که چند وقت پیش درباره «کارل گوستاو یونگ» نوشته بودم اشاره کنم. خواننده‌ای گویا از آن نوشته ناخرسند شده بودند و ضمن نقد اینجانب تاکیدکرده بودند که مقوله یونگ و تحقیقات عمیق این مرد فرزانه تخصصی است و ما روزنامه‌نگاران غیرمتخصص نباید در این امور دخالت کنیم. در جواب می‌گویم که ما دخالتی در کار یونگ نکردیم. اما چون حضرت یونگ به حوزه هنر و ادبیات نیز سفرهایی داشته دخالت کردیم والا ما را چه به دخالت در حوزه روانشناسی. ما چه زمان در کار اریک فروم، آدلر، هورنای و... . دخالت کردیم؟ وقتی درباره چیزی که در آن تخصص دارم حرفی زده می‌شود (حالا از طرف هر کس) انتظار نداشته باشید نقد نکنیم. نکته دیگر اینکه مبنای کار در مطبوعات مدرک تحصیلی و کیفیت دانشگاه نیست. فرد مطبوعاتی می‌نویسد مردم می‌خوانند و نتیجه بود یا نبودش به پارامترهای مختلفی بستگی دارد.

ب- نامه‌ها چگونه می‌توانند سرنخ‌هایی از یک شخصیت به خواننده ارایه کنند؟ نامه‌ها بیشتر و به جای آنکه اطلاعاتی مفید در اختیار خواننده قرار دهند، دستگاهی هستند جهت تولید پرسش و ابهام آمیزتر کردن نویسنده نامه. او کیست؟ در کجا زندگی می‌کند؟ فلان رویدادی که به شکلی گذرا به آن پرداخته در کجا اتفاق افتاده است؟ این خود به مانند سرآغاز یک سفر جدید در دنیای متن است. اما انتشار نامه‌های بزرگان ادب و هنر در قالب یک کتاب پا را از این نیز فراتر می‌گذارد و خواننده را تبدیل به یک کارآگاه می‌کند که باید از میان سطور نامه‌ها هم به رویدادها نظری بیندازد و هم به شخصیت نویسنده آن؛ شخصیتی که شاید در بسیاری از موارد در آثار ادبی یا هنری پشت نقاب نام و اثر پنهان شده است، اما اگر نامه‌ها به مانند مکاتبات فروید و اینشتین باشد یا مثل پرسش و پاسخ‌های رنه مگریت و میشل فوکو، شما هیچ چیز از رویدادها و شخصیت‌ها به دست نخواهید آورد. به جز مقداری جملات استفهامی که در تلاش هستند تا توسط کاغذی سفید راهی یا چاهی یا کورسوی امیدی به امروز و آینده را نشان دهند. برخی نامه‌ها هم که اول نامه بوده‌اند و سپس تبدیل به کتاب شده‌اند مثل کتاب تمدن و ناخرسندی‌هایش که پاسخ فروید به برخی مدعیان «احساسات اقیانوسی شدن» بود، اما نامه‌های خصوصی که در موقعیت‌های مختلف ارزش‌هایی مختلف دارند بهتر می‌توانند مچ نویسنده را برای مخاطب باز کنند. نامه‌هایی که سال‌ها یا قرن‌ها از آن گذشته است و خواندنشان پیگرد قانونی ندارد و تجاوز به حریم خصوصی افراد قلمداد نمی‌شود. تنفس- از نامه‌هایتان مراقبت کنید. نه این بهتر است: «به اموال نوشتاری و مکتوب» خود بچسبید که اگر روزی خبرنگاری به آنها دست پیدا کند در زمان مقرر می‌تواند بخشی از شخصیت نهفته در متن را به راحتی تعبیر و تفسیر کند. اهالی رسانه معروف به کنجکاوی هستند و نمی‌توان جلوی آنها را گرفت. روزی مشغول خواندن یک نامه باز بودم که بر روی میز کارمان قرار داشت. همکاری گفت: «ای بابا... نامه خصوصی است شاید.» گفتم: «اولا به جهنم که خصوصی است وقتی من دارم می‌خوانمش دیگر خصوصی نیست. در ثانی اگر خصوصی است چرا روی میز کار ماست؟ اگر خصوصی است باید هفت سوراخ قایمش کند صاحب آن.» حالا اینکه کار ما روزنامه‌نگاران و خبرنگاران در ایران در حالت سکوت قرار گرفته امر جداگانه‌ای است.

ج- اما هدف از این مقدار صحبت درباره نامه و نامه‌نگاری صرفا معرفی کتابی بود که اخیرا توسط انتشارات لحن نو راهی بازار نشر شد به نام «مادر عزیزم» که مجموعه جالب توجهی از نامه‌های خصوصی نویسندگان و شاعران بزرگ جهان از جمله بودلر دوست‌داشتنی به مادرانشان است. در کنار بودلر نامه‌هایی از مارسل پروست، ژان کوکتو، گوستاو فلوبر، آندره ژید، فاکنر، ارنست همینگوی و آنتوان دو سن اگزوپری نیز در این مجموعه به چاپ رسیده است که می‌تواند کنجکاوی هر خواننده علاقه‌مند به ادبیات را تحریک کند. درددل‌ها و گاه شکایت‌های نویسندگان بزرگ از دوران و موقعیتی که به سر می‌برند خود راهنمای بزرگی برای درک بهتر این خالقان فرهنگی است. ترجمه مطلوب این کتاب توسط مریم شرافتی که تازه پا در عرصه ترجمه گذاشته به جذابیت‌های کتاب افزوده است.

مادر عزیزم
نامه‌های خصوصی بزرگان ادبیات جهان از بودلر تا سنت اگزوپری
ترجمه: مریم شرافتی
ناشر: لحن نو
چاپ اول: ۱۳۹۱

عطف کتاب

خوشامدگویی به زندگی

«بهترین داستان‌های کوتاه جیمز آگوستین جویس»، مجموعه‌ای است از بهترین داستان‌های کوتاه که توسط احمد گلشیری انتخاب و ترجمه شده است. پیش‌تر، بهترین داستان‌های کوتاه چخوف، مارکز و همینگوی از همین مجموعه منتشر شده بودند. احمد گلشیری در این کتاب علاوه بر ترجمه ۱۵ داستان کوتاه از جویس، مقدمه مفصلی هم درباره زندگی و آثار او نوشته و در پایان کتاب هم سال‌شمار زندگی جویس را آورده است. احمد گلشیری در مقدمه بهترین داستان‌های کوتاه جویس، خوشامدگویی به زندگی را بارزه آثار جویس می‌داند و می‌نویسد: «جویس با خوشامدگویی به زندگی و تجلیل از حیات نه قصدش آن است که از شورزیستن یاد کند و نه به ابراز خوش‌بینی بپردازد بلکه هدفش آن است که بکوشد، تا به‌رغم تمام دشواری‌ها، به زندگی ادامه دهد.»

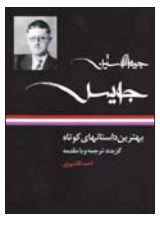

جیمز آگوستین جویس (بهترین داستان‌های کوتاه)
نویسنده: جیمز جویس
گزینش و ترجمه: احمد گلشیری
ناشر: نگاه
چاپ دوم ۱۳۹۱

جدول ۱۶۷۲

افقی:
۱ - تصمیم‌گیری - منصوب شدن ۲ - رویای تشنه لب - کثرت - از مصالح ساختمان ۳ - واحد مقیاس گرما - شهری در روسیه - بانویی در کربلا همراه امام حسین (ع) ۴ - عضو صورت - رنگ نفرت - قانون صریح - بخت برگشتگی ۵ - رستاخیز - از مرکبات ۶ - روح - شمشیر - بزرگی ۷ - باریک‌تر از... - شرف - نقاش تابلوی دسته گل بهاره ۸ - مقابل بیگانه - زادگاه عبید - خرگوش ۹ - تنبل - از پوشاک زنانه - الفبای خوراکی ۱۰ - دلگشایی - سنگ چاقو تیزکنی - ناستوار ۱۱ - زنده شدن مردگان در روز قیامت - در هم داخل شدن ۱۲ - سازمان جهنمی قبل انقلاب - با باطل در ستیز است - نام دلون بازیگر - از خواهران برونته ۱۳ - زیاده گو - رهبر و پیشوای مذهبی - کسی که طرفدار آداب و سنن قدیمی است ۱۴ - جنبش رگ - خواب دیدن - سوره هفدهم قرآن ۱۵ - بسته شدن - براق‌کننده و مدل‌دهنده مو

عمودی:
۱ - بارانداز کشتی‌ها - سوگ و عزا - حمام لاغری ۲ - ویران - زره - سیاه زخم ۳ - حرف یازدهم از الفبای فارسی - شهری در استان خراسان - وضع‌کننده ۴ - سلاح درویش - گیاه سرشار از آهن ۵ - چین و چروک پوست - موسس سلسله اشکانی - دومین دورقمی ۶ - آب تازی - موافق - اتمسفر - جنگ صدر اسلام ۷ - شهری در آلمان - مراقبت از مریض - علی‌ای همای... ۸ - آشکارکننده - تصویر واضح در عکاسی - واحد شمارش صابون ۹ - به چیزی پیوستن - گاز دستی اتومبیل - خزنده خوش خط و خال ۱۰ - فلز پرمصرف - آوای رزمی کار - شاعر و نویسنده نوبل بده اهل شیلی - پیشوند فعل مضارع ۱۱ - گیاه مرداب - فرمانده سپاه - از حروف مقطعه قرآن ۱۲ - تبانی، ساخت و پاخت پنهانی - ناطق ۱۳ - شاعر سبک هندی - کاغذ معروف اسید - آزمون کوتاه ۱۴ - کالاها - آشیانه پرندگان - رنگ قهوه‌ای مات ۱۵ - قوم وحشی - هر لحظه - شهر حضرت یعقوب

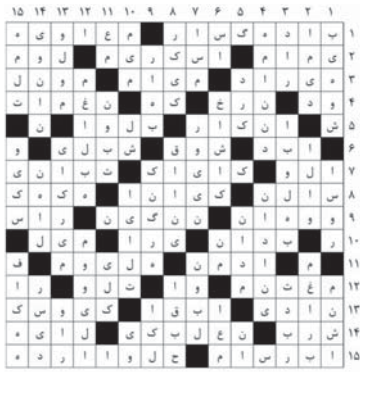

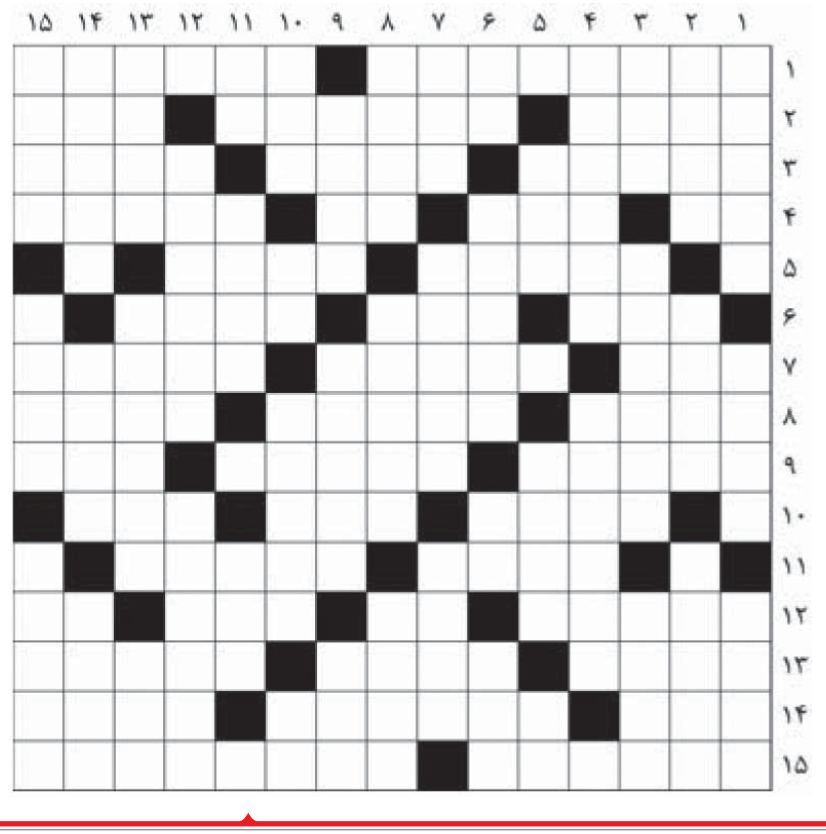

جدول ۱۶۷۱

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۳۲۴

	۶		۷			۳	۱	
			۴		۶			۲
۱	۸			۹	۳			
	۳		۹	۴		۵		
۷			۵	۲				
۵		۴			۷	۱		
		۶	۳			۹		
		۱	۸					
	۴			۶		۲		

حل سودوکو سخت

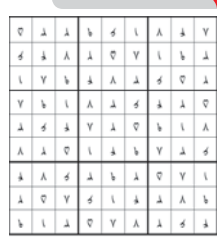

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۶۷۵

		۵	۲			۶	۸	۹
۱		۸		۶	۳			
۲	۴			۸			۳	
	۵	۹	۴				۱	
		۷	۹			۴		۵
	۶	۲	۱		۸			
۵			۳				۶	
۶		۴			۱		۷	۳
۹	۸	۳	۶	۷	۵			

حل سودوکو ۶۷۵

۴	۱	۷	۹	۸	۶	۲	۳	۵
۶	۸	۵	۲	۳	۱	۴	۹	۷
۲	۹	۳	۴	۷	۵	۶	۱	۸
۸	۳	۹	۱	۲	۴	۷	۵	۶
۵	۲	۱	۶	۹	۷	۸	۴	۳
۷	۶	۴	۳	۵	۸	۹	۲	۱
۳	۵	۶	۷	۴	۹	۱	۸	۲
۹	۷	۲	۸	۱	۳	۵	۶	۴
۱	۴	۸	۵	۶	۲	۳	۷	۹